



Investigating the Influence of the Village of Siahkal, Gilan on the Operations of the Cherikhay Fadaee khalgh Iran

Mehri Edrisi Arimi^{*1}, Mohammad, Jafar begloo²

¹- Associate Professor, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran. m_edrisi@pnu.ac.ir

²- PhD student of Iranian Islamic History, Faculty of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran. mjbegloo68@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:

26/07/2023

Accepted:

23/10/2023

The operation of the Iranian People's Fadaee Guerrilla Organization in the Siahkal forests of Gilan on 19th of Bahman 1349 is considered to be the starting point of the armed battle of the leftist groups against the rule of Mohammad Reza Pahlavi. Although the first operation of the people's loyalist guerrillas in the village failed for some reasons and led to a change in the organization's approach to carrying out activities in the city, the Siahkal operation was recorded as an important event in the history of this organization and the origin of the emergence of guerrilla and coercive movements against the Pahlavi rule.

The formation of Siahkal guerrilla operations had a close relationship with the peasant community of Gilan villages on the one hand and the natural geography of this area on the other hand. The present study aims to answer the question, with a descriptive-analytical approach and relying on documentary and library sources, and with the aim of explaining the factors influencing the guerrilla operations of the people's loyalists against the Pahlavi government, what factors caused the organization of the people's loyalists to choose Siahkal village as the first place of their guerrilla operations against the regime of Mohammad Reza Pahlavi?

The findings of the research show that the social structure of the villages of Gilan, which consisted of peasant and rural communities, on the one hand, and the geographical location of Gilan, the weather conditions and dense vegetation, the forest and mountainous location of Siahkal, were effective in choosing the village of Siahkal to launch a guerrilla movement by the people's loyalist guerrillas.

Keywords Siahkal, rural guerrilla warfare, guerrillas loyal to the people of Iran, Pahlavi.

Cite this article: Edrisi Arimi, Mehri; Jafar begloo, Mohammad. (2023) Investigating the influence of the village of Siahkal, Gilan on the operations of the cherikhay fadaee khalgh IranK, The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam, Vol. 1, No.2, P:17-39.

DOI: 10.30479/HVRI.2024.19131.1013



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Mehri Edrisi Arimi

Address: Associate Professor, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran

E-mail m_edrisi@pnu.ac.ir

بررسی تأثیر جغرافیای گیلان بر «عملیات سیاهکل» چریک‌های فدایی خلق ایران

مهری ادیسی آریمی^{۱*}، محمد جعفر بگلو^۲

^۱ - دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران m_edrisi@pnu.ac.ir

^۲ - دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

mjbegloo68@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	عملیات سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در جنگل‌های سیاهکل گیلان مورخ ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، نقطه آغاز نبرد مسلحانه گروه‌های چپ علیه حاکمیت محمدرضا پهلوی محسوب می‌شود. هرچند اولین عملیات چریک‌های فدایی خلق در روستا بنابه دلایلی به شکست انجامید و منجر به تغییر رویکرد سازمان به انجام فعالیت در شهر شد، اما عملیات سیاهکل به‌عنوان یک رویداد مهم در تاریخچه این سازمان ثبت و منشأ پیدایش حرکت‌های چریکی و فهرآمیز علیه حاکمیت پهلوی شد. شکل‌گیری عملیات چریکی سیاهکل رابطه تنگاتنگی با اجتماع دهقانی روستاهای گیلان از یک‌سو و جغرافیای طبیعی این ناحیه، ازسوی دیگر داشت. پژوهش حاضر بر آن است با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و با هدف توضیح عوامل مؤثر بر عملیات پارتیزانی چریک‌های فدایی خلق علیه حاکمیت پهلوی، به این پرسش پاسخ دهد که چه عواملی باعث شدند تا سازمان فداییان خلق روستای سیاهکل را به‌عنوان نخستین مکان عملیات چریکی خود علیه رژیم محمدرضا پهلوی انتخاب کنند؟
مقاله پژوهشی	
دریافت:	
۱۴۰۲/۰۵/۰۴	
پذیرش:	
۱۴۰۲/۰۸/۰۱	
	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی روستاهای گیلان که متشکل از جامعه دهقانی و روستایی بود، از یک طرف و موقعیت جغرافیایی گیلان، شرایط آب‌وهوایی و پوشش گیاهی انبوه و موقعیت جنگلی و کوهستانی این روستا ازسوی دیگر، در انتخاب روستای سیاهکل برای راه‌اندازی جنبش پارتیزانی از سوی چریک‌های فدای خلق مؤثر بود.
	واژگان کلیدی: سیاهکل، جنگ چریکی روستایی، چریک‌های فداییان خلق ایران، پهلوی.

استاد: ادیسی آریمی، مهری، بگلو، محمد جعفر. (۱۴۰۲)، بررسی تأثیر جغرافیای گیلان بر «عملیات سیاهکل» چریک‌های

فدایی خلق ایران»، فصلنامه تاریخ روستا و روستاشینی در ایران و اسلام، سال اول، شماره دوم، ص: ۱۷-۳۹.



DOI : 10.30479/HVRI.2024.19131.1013

حق مؤلف © نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

در تاریخ معاصر ایران، نمونه‌های متعددی از شکل‌گیری و تکوین نبردهای چریکی در منطقه شمال ایران وجود دارند که دو نمونه شناخته‌شده آن، جنبش جنگل به رهبری یونس استادسرایی ملقب به میرزا کوچک‌خان و عملیات سیاهکل چریک‌های فدایی خلق است.

پیدایش گروه‌های چریکی در ایران را باید حاصل حوادث جهانی و داخلی دانست. در سطح بین‌المللی، پیروزی مبارزات مارکسیستی در روسیه شوروی و پس از آن تفوق اندیشه مائو در چین و در بستر داخلی، تحولات دهه ۱۳۴۰ و سرکوبی گروه‌ها و احزاب سیاسی که خواستار ادامه مبارزات سیاسی در چارچوب قانون اساسی بودند، عامل ترغیب گروه‌ها به سمت مبارزه مسلحانه بودند (مولوی وردنجانی و توکلی، ۱۳۹۸: ۴۴). زمانی که راه‌حل‌های مسالمت‌جویانه و اصلاح‌گرایانه در مقابل حکومت پهلوی به بن‌بست رسیدند و بی‌نتیجه ماندند، برخوردهای مسلحانه در پیش گرفته شد. این روش به‌عنوان تنها راه سرنگونی رژیم و تغییر وضعیت موجود، با آگاهی از تجربیات و اقدامات چریکی سازمان‌ها و گروه‌های کمونیستی در کشورهای چین، کوبا، الجزایر و برزیل اتخاذ شد.

در توضیح پیشینه برای این موضوع، جست‌وجوهای انجام‌شده نشان می‌دهند که آثار چاپ‌شده موجود درباره این سازمان عموماً به عملیات فداییان خلق در شهرها پرداخته‌اند که همگی پس از نبرد سیاهکل بوده است. جدای از آناری که توسط اعضای این سازمان نوشته شده و خود اساساً منابع موضوع محسوب می‌شوند، مقالات نگارش‌شده عمدتاً به فعالیت‌های چریکی آن‌ها در شهرها در دوره پهلوی یا ارتباط آنان با انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و تنها مقاله «عملکرد سازمان چریک‌های فدایی خلق علیه حکومت پهلوی در جنگ‌های چریکی شهری» نوشته آرش نصیری و معصومه دهقان اشاره‌وار به عملیات سیاهکل پرداخته است. صدر شیرازی در کتاب *سازمان چریک‌های فدایی خلق* (۱۳۹۵)، به روند شکل‌گیری سازمان و بسترهای فکری و ایدئولوژیکی آن و همچنین فعالیت‌های گروه‌های منشعب فداییان خلق از بدو تأسیس تا یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران پرداخته است. طرح بحث‌های سازمان در زمینه تقدم و تأخر فعالیت‌های چریکی در شهر یا روستا حائز اهمیت است. مجتبی حسینی در پایان‌نامه خود با عنوان «مبانی نظری سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در دوران محمدرضا پهلوی» (۱۳۸۸)، علاوه بر مطالعه پیشینه مبارزات مسلحانه و چریکی در ایران و نیز دیگر کشورهای جهان، به مبانی مبارزات

مسلحانه سازمان چریک‌های فدایی خلق پرداخته و عوامل مؤثر بر اتخاذ و تدوین استراتژی‌های سازمان و فعالیت‌های آن را بررسی کرده و در این میان، اشاراتی نیز به مبارزات شهری و روستایی سازمان در نواحی مختلف کشور و اساس مکان‌گزینی برای مبارزه داشته است. نادری در کتاب دو جلدی خود با عنوان *چریک‌های فدایی خلق (۱۳۸۷)*، به کمک اسناد و مدارک موجود، به‌ویژه اسناد به‌جای‌مانده از ساواک، توانسته است شرح دقیق و مفصلی از ابعاد گوناگون سازمان از ابتدا تا فعالیت آن‌ها در خارج از کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی ارائه دهد که شرح فعالیت‌های سازمان در خور توجه است.

مقاله حاضر بنابه اهمیت موضوع در تاریخ مبارزات مسلحانه معاصر ایران، قصد دارد ضمن توضیح جایگاه مکان جغرافیایی و جوامع روستایی در استراتژی‌های این سازمان، به این پرسش پاسخ دهد که چه عواملی باعث شد فداییان خلق برای نخستین عملیات مسلحانه خود روستای سیاهکل را برگزینند؟ فرضیه این است که موقعیت جغرافیایی روستای سیاهکل به دلیل وجود جنگل‌های انبوه که امکان فعالیت و اختفا را برای اعضای سازمان آسان می‌کرد، از یک‌سو، و مخاطبان روستایی از سوی دیگر، سبب انتخاب این مکان برای نخستین عملیات شد.

۱. لزوم مبارزه

اصطلاح «جنگ چریکی» در طول جنگ‌های ناپلئونی وارد فرهنگ لغت مدرن شد. این‌گونه از جنگ، توسط گروه‌های کوچکی از افراد به‌طور نامنظم و با استفاده از سلاح‌های سبک انجام می‌شود تا مانع حرکت سریع آن‌ها که در موقعیت‌های گوناگون جغرافیایی صورت می‌گیرد، نشود؛ به دلیل وجود سلاح‌های سبک، جنگ چریکی نسبتاً ارزان تمام می‌شود، اگرچه رویارویی با آن برای حکومت می‌تواند پرهزینه باشد. جنگ چریکی به مجموعه خاصی از تاکتیک‌های نظامی، از جمله حملات شبانه، حملات ضربه و فرار، عقب‌نشینی استراتژیک و کمین اشاره دارد. کاربرد این تاکتیک‌ها نظیر: «بزن و فرار کن»، «تله و کمین انداختن» و واکنش‌هایی از این دست به اندازه جنگ سیاسی قدمت دارند (عزتی، ۱۳۹۳: ۳۳). تاکتیک‌های چریکی مبتنی بر محیط شهری و روستایی در سرتاسر تاریخ نظامی وجود داشته‌اند (Stibbe, 2013: 1). هدف استراتژی چریکی، کنترل قلمرو نیست، بلکه عملیات ضربه، فرار و کمین برای از بین بردن کنترل دولت بر قلمرو و جمعیت و به‌طور کلی حاکمیت انجام می‌شود. هدف چریک تحمیل هزینه‌هایی به دشمن از نظر از دست دادن سربازان، تدارکات، زیرساخت‌ها و آرامش خاطر است (Kalyanaraman, 2003:)

173). نبرد پارتیزانی تلاشی به منظور دست یافتن به قدرت سیاسی از طریق روش های غیرقانونی و قهری است که در پوشش خود، سیستم های دولتی موجود و ساختارهای اجتماعی مترتب بر آن را نابود می سازد (کالینز، ۱۳۷۳: ۱۰۱). از دیدگاه مائوتسه تونگ، مبارزه مسلحانه «به عنوان شکلی از مبارزه، فقط یک وسیله است؛ وسیله ای برای رسیدن به یک هدف. هدفی که برای تمام انقلابیون حیاتی و اجتناب ناپذیر است، کسب قدرت سیاسی است» (تونگ، ۱۳۵۸: ۳). با وجود اینکه بسیاری از منتقدان جنگ چریکی و گروه های وابسته به حاکمیت پهلوی، عملیات پارتیزانی را اقدامی مذبحانه و ناشی از ترس و چریک ها را عده ای راهزن و خراب کار می خوانند، پارتیزان ها معتقد بودند که مبارزه مسلحانه، شکلی از مبارزه با هدف غلبه بر رژیم نامشروع داخلی است. ارنستو چگوارا (Ernesto Che Guevara)، چریک و نظریه پرداز جنگ های پارتیزانی، عقب نشینی از میدان جنگ را امری منفی تلقی نمی کند. به نظر او، این عمل از ویژگی های جنگ پارتیزانی است که «هدف نهایی آن با هدف جنگ های دیگر کاملاً همانند و عبارت است از پیروزی و نابودی دشمن». چگوارا جنگ پارتیزانی را مرحله ابتدایی یک جنگ خلقی (توده ای) می داند (چگوارا، بی تا: ۱۱). به اعتقاد او، موفقیت واحد پارتیزانی تا حد زیادی به بهره گیری از پشتیبانی مردم تکیه دارد. «پارتیزان ها باید ضمن مبارزه، از کمک و پشتیبانی همه جانبه ساکنان محلی اطمینان داشته باشند. این امر یک مقدمه ضروری است» (همان: ۷). براساس اسناد عملیات پارتیزانی، پارتیزان ها موفقیت های خود را عموماً مرهون تحرک پذیری و استفاده درست از عوامل جغرافیایی و هم فکری و همدردی با مردم غیرنظامی که به عنوان ابزارهای حمایتی از آنان نام برده اند، می دانسته اند (عزتی، ۱۳۹۳: ۳۶ - ۳۸).

چریک های فدایی خلق ایران جنبش چریکی را مقدمه ای برای تفوق بر دشمن به شمار می آوردند. مسعود احمدزاده از رهبران و بنیان گذاران سازمان چریک های فدایی خلق، هدف از مبارزه مسلحانه را نه وارد کردن ضربات نظامی به دشمن، بلکه وارد کردن ضربات سیاسی به آنها می داند: «هدف این است که به انقلابیون و خلق، راه مبارزه نشان داده شود، آنها را از قدرت خویش آگاه گرداند و نشان دهد که دشمن آسیب پذیر است...» (احمدزاده، بی تا: ۱۹). حمید اشرف از دیگر رهبران فدایی خلق، با الهام از چگوارا، سه اصل طلایی چریکی را تحرک مطلق، عدم اطمینان مطلق و هوشیاری مطلق می داند (اشرف، بی تا: ۲۹).

گروه‌های چریکی در ایران نیز کم‌کم با الهام از آرا و نظریات رهبران انقلاب‌های کمونیستی جهان، به ارائه دیدگاه در این حوزه پرداختند؛ از جمله آن‌ها عبارتند از: بیژن جزنی، نویسنده کتاب‌های: *نبرد با دیکتاتوری شاه*، چگونه مبارزه مسلحانه توده‌ای می‌شود، *تاریخ سی ساله ایران* و...؛ مسعود احمدزاده، نگارنده رساله «مبارزه مسلحانه هم استراتژی و هم تاکتیک»؛ امیر پرویز پویان، نویسنده جزوه «ضرورت مبارزه مسلحانه و ردّ تئوری بقا»؛ حمید اشرف، نگارنده جزوه‌های «یک سال مبارزه چریکی در شهر و کوه» و «جمع‌بندی سه ساله» و علی‌اکبر صفایی‌فراهانی، نویسنده رساله «آنچه یک انقلابی باید بداند» که به ارائه اساسنامه و نحوه جنگ چریکی پرداخته است.

۲. پیدایش سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

پیدایش این سازمان که تا سال ۱۳۵۰ عنوان «چریک‌های فدایی خلق ایران» را نداشت، به دهه ۴۰ شمسی بازمی‌گردد. در آن هنگام دو گروه که پیشینه شکل‌گیری‌شان به اواسط دهه ۴۰ شمسی بازمی‌گشت، این سازمان را به‌وجود آوردند. گروه نخست، در سال ۱۳۴۲ توسط چندتن از دانشجویان دانشگاه تهران، به نام‌های حسن ضیاظریفی، بیژن جزنی، علی‌اکبر صفایی‌فراهانی، محمد آشتیانی، عباس سورکی و حمید اشرف تأسیس شد و گروه دوم، متشکل از دو دانشجوی مشهدی مقیم تهران به نام‌های امیر پرویز پویان و مسعود احمدزاده بود. این دو گروه در سال ۱۳۴۹ ش با هم ادغام شدند. گروه نخست که به گروه «جزنی - ضیاظریفی» شهرت یافتند، «تیم روستایی» خوانده می‌شدند و گروه دوم مشهور به «پویان - احمدزاده»، «تیم شهری» این سازمان جدید را به‌وجود آوردند (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۵۹۶). این دو گروه پایه‌گذار جنبشی بودند که به موازات جریان چپ سنتی مانند حزب توده، دیدگاه جدیدی از مبارزه را ارائه کردند. طرح دیدگاه‌های چپ رادیکال، ماهیت مستقلی به این جریان بخشید که هم الهام‌بخش نیروهای اجتماعی در مبارزه شد و هم با به حاشیه راندن عناصر چپ سنتی تا مدتی بر روند جریان مبارزاتی چپ حاکم گشت. ریشه‌های فکری هر دو جریان، یعنی توده‌ای‌ها و چریک‌های فدایی خلق، در اصل بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم استوار بود، اما فداییان در عین وفاداری به این تعالیم، نظریات کسانی چون مائو و دیگران را باهم درآمیختند که وجه تمایز آن‌ها از توده‌ای‌ها، در برداشت از نظام سیاسی ایران و ماهیت دستگاه حاکم بود (قدسی‌زاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۱). سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در فروردین ۱۳۵۰ ش با صدور اعلامیه‌ای اعلام موجودیت کرد؛ جمعیتی که با

ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم بر استراتژی و مشی سرنگونی رژیم از طریق همگانی کردن مبارزه مسلحانه تأکید داشت (احمدی حاجیکلائی، ۱۳۸۷: ۲۹۱).

سازمان چریک‌های فدایی خلق با مبارزه «سیاسی و فرهنگی» - شیوه مبارزه حزب توده که از آن به «تئوری بقا» یاد می‌کردند - مخالف بود و بر آن بود که در شرایطی که کوچک‌ترین امکانی برای مبارزه سیاسی علیه رژیم دیکتاتوری و سرکوب‌گر وجود ندارد، مبارزه مسلحانه مناسب‌ترین شیوه است. سازمان ضمن تأیید فراهم بودن شرایط عینی انقلاب، به دلیل وجود تضاد طبقاتی و ستم سرمایه‌داری، معتقد بود شرایط ذهنی انقلاب را نه فعالیت سیاسی و فرهنگی، بلکه مبارزه مسلحانه فراهم می‌کند (سام دلیری و شهبازی، ۱۳۹۱: ۱۱). این دیدگاه و اعتقاد فداییان مبنی بر درپیش-گرفتن مبارزه مسلحانه از سوی گروه‌های دیگری که دارای مشابهت‌ها و گرایشاتی نزدیک بودند، همچون طرفداران حزب توده، سازمان انقلابی کمونیستی ایران (ساکا)، گروه طوفان و سایر گروه‌های مشابه پذیرفته نبود و حتی آن را برخلاف اصول مارکسیسم می‌دانستند. در این میان، بروز جنبش‌های انقلابی کوبا، ویتنام، الجزایر، چین و آلبانی به تدریج به رشد تمایلات قهرآمیز فداییان خلق کمک کرد. پیروزی‌های چند جنبش انقلابی در سراسر جهان، جوانان سازمان فدایی خلق را متقاعد ساخته بود که جنگ چریکی تنها راه رهایی از سلطه استعمار و استبداد است (حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۶ و ۴۷). وقوع انقلاب کوبا با توجه به برخی شباهت‌های این رژیم با حکومت پهلوی، به شدت بر برخی جنبش‌های مبارز ایرانی تأثیر گذاشت و نیز مشابهت‌های جامعه الجزایر با جامعه ایران و نیز انقلاب این کشور به عنوان الگویی برای مبارزات گروهی از جوانان کشور مطرح شد (صدر شیرازی، ۱۳۹۵: ۲۵). نقطه آغاز فعالیت‌های این سازمان و اساساً جنبش مسلحانه در ایران را باید در عملیات سیاهکل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ جست‌وجو کرد. کمی پس از این عملیات، گروه‌های زیرزمینی دیگر نیز موجودیت خود را اعلام کردند. فداییان، نیروهای شاه را درگیر اقدامات چریکی فشرده که بعدها عمدتاً در شهرها صورت می‌گرفت، کردند (بهروز، ۱۳۸۴: ۱۲۰) که ادامه بحث از این وقایع از حیظه زمانی این مقاله خارج است.

۳. اهمیت موقعیت جغرافیایی در جنگ چریکی

موقعیت جغرافیایی از جمله مؤلفه‌هایی است که اهمیت بسیاری در امور جنگی و نظامی دارد و از همین رهگذر، مبحث «جغرافیای نظامی» توجه استراتژیست‌های این حوزه را به خود جلب کرده است. در تاریخ جهان فرماندهانی که با نادیده گرفتن شرایط جغرافیایی در میدان جنگ

مغلوب شده‌اند، کم نیستند؛ نظیر: «هیتلر که در بازی لجوجانه‌اش، با زمستان روسیه بازنده شد و خروشچف که با شرط‌بندی و ادعا بر کوبای دور از دسترس، نام خود را آلوده کرد» (کالینز، ۱۳۷۳: ۳۰۹). در تاریخ ایران هم نمونه‌های متعددی را می‌توان یافت، از زمین‌گیر شدن سپاه سلطان محمد خوارزمشاه در گردنه اسداباد پیش از رویارویی با سپاه خلیفه عباسی تا مسائل گوناگون در جنگ ایران و عراق، همه‌وهمه نشانه‌هایی از تأثیر موقعیت جغرافیایی بر امور نظامی و لجستیکی هستند.

در مبارزه چریکی نیز، جغرافیا عنصری مهم محسوب می‌شود. کارکرد مکان جغرافیایی به لحاظ ویژگی‌های آن می‌تواند متفاوت باشد. ویژگی‌های ژئوفورمولوژی نواحی کوهستانی، جنگلی یا دشت و نیز شرایط اقلیمی و آب‌وهوایی هر ناحیه از قبیل سردسیر و گرمسیر بودن، مرطوب و شرجی یا خشک بودن می‌تواند در فصل‌ها و ماه‌های مختلف سال بر هرگونه حرکت و عملیاتی مؤثر باشد، به‌خصوص عملیات چریکی که نیاز به تحرک زیاد، چابکی و واکنش سریع و به‌موقع دارد.

اهداف جنگی و مبارزه چریکی، به نوع خاصی از مکان‌های جغرافیایی نیاز دارد. یک مکان جغرافیایی دشت‌مانند به لحاظ دفاعی و امنیتی به هیچ وجه نمی‌تواند برای یک مبارزه چریکی مفید باشد. برعکس، نواحی کوهستانی مرتفع یا جنگلی با راه‌های ناشناخته و پیچ‌درپیچ همواره بر قدرت مبارزه گروه‌های ضدحکومتی افزوده و دفاع و پیروزی نیروی نظامی حاکم وقت را با هزینه زیاد و مشکلات بسیار روبه‌رو ساخته است. چریک در دو مکان عمده شهر و روستا فعالیت می‌کند که یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین گونه‌های این نوع مبارزه، معمولاً در شهرها رخ می‌دهد. چریک باید از نزدیک با زمینی که در آن فعالیت می‌کند، آشنا باشد. آنچه اهمیت دارد، دانستن هر راهی است که یک چریک می‌تواند از آن استفاده کند، هر مکانی که بتواند مخفی شود و دشمن را در گمراهی خود رها کند؛ از این رو، مکان جغرافیایی و ویژگی‌های آن در نبرد چریکی اهمیت ویژه‌ای دارد.

به اعتقاد چگوارا، جنگ پارتیزانی «به‌خاطر ویژگی‌های خود، تابع یک رشته قوانین مخصوص به خود» است. چگوارا با تأکید بر موقعیت جغرافیایی می‌نویسد: «موقعیت جغرافیایی و اجتماعی هر کشور، تعیین‌کننده خصلت و شکل ویژه‌ای است که نبرد پارتیزانی در آن حالت خاص به خود می‌گیرد» (چگوارا، بی‌تا: ۶). مائوتسه تونگ نیز به تأثیر شرایط جغرافیایی بر جنگ چریکی آگاه

بوده و به آن توجه داشته است. به اعتقاد او، «طبیعت» بسیاری از شرایط جنگ پارتیزانی را فراهم کرده است (تونگ، ۱۳۵۸: ۴۶).

گروه‌های چریکی ضمن پروراندن تئوری، اقدام به طراحی عملیات نظامی کردند. عملیات تسخیر پاسگاه سیاهکل در بهمن ۱۳۴۹، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات چریکی ایران بود. به تعبیر غلامرضا نجاتی: «در تاریخ مبارزات مسلحانه پس از کودتا، از واقعه سیاهکل و روز ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ به عنوان سرآغاز جنبش چریکی ایران یاد می‌شود» (نجاتی، ۱۳۹۰: ۳۹۸). شکل‌گیری جنبش چریکی در شمال ایران توسط چریک‌های فدایی خلق بی‌تردید متأثر از جغرافیای خاص این ناحیه بوده است. به‌منظور تبیین دقیق تأثیر جغرافیای گیلان در بروز رویدادهای تاریخی و از جمله این عملیات پارتیزانی، اشاره‌ای به جغرافیای تاریخی گیلان می‌شود.

۴. جغرافیای تاریخی گیلان

گیلان محدوده‌ای است که در میان رشته‌کوه‌های البرز و تالش، در شمال نقشه ایران واقع شده است و با استان‌های اردبیل در غرب، مازندران در شرق، زنجان در جنوب و کشور آذربایجان در شمال هم‌مرز و همسایه است (محمودی، ۱۳۷۴: ۵۵). گیلان به دلیل محصور بودن، از شمال به دریاچه خزر و از جنوب به ستیغ رشته‌کوه البرز غربی، دارای آب‌وهوایی مرطوب و معتدل است. این خطه از منابع آب فراوان، خاک حاصلخیز، پوشش گیاهی و جنگل انبوه برخوردار است و کوهستان‌های بلند و پوشیده از درخت و جلگه‌های خزری، ویژگی خاص این منطقه به‌شمار می‌آید (امیرانتخابی، ۱۳۸۷: ۱۳). هسته اصلی جلگه گیلان را، دلتای سپیدرود تشکیل می‌دهد. مسیر اصلی این رود به لحاظ جغرافیای تاریخی، گیلان را به دو بخش «بیه پیش» و «بیه پس» تقسیم کرده است که امروز نیز یکی از معیارهای تقسیمات داخلی گیلان محسوب می‌شود (همان: ۱۵).

مورخانی همچون قزوینی در *آثارالبلاد و اخبارالعباد* همواره در توصیف ناحیه گیلان به پرباران بودن این ناحیه (قزوینی، ۱۳۷۳: ۴۱۶) و جایگاهی برای پنهان شدن مخالفان حکومت اشاره کرده‌اند. به احتمال زیاد همین امر یکی از دلایل ناتوانی شاهان پارتی در دوره باستان در نفوذ به بخش‌های شمالی کوه‌های البرز بود (فرای، ۱۳۴۴: ۲۳۵). کریستین سن هم از تلاش شاپور اول ساسانی برای غلبه بر گیل‌ها و دیلمی‌ها (کریستین سن، ۱۳۷۹: ۳۱۰) و ابن‌اثیر از مزاحمت‌هایی که این قوم برای بهرام پنجم (گور) ایجاد می‌کردند، سخن می‌رانند (ابن‌اثیر، بی‌تا: ۲۸۴ و ۲۸۵). دیلم

در روزگار خسرو پرویز، پناهگاه مخالفان حکومت بود و گروهی از سپاهیان بهرام چوبین پس از شکست از پادشاه ساسانی در این سرزمین پایگاه داشتند (دینوری، ۱۳۶۴: ۱۳۰).

تاریخ این ناحیه در دوره اسلامی حاکی از ناتوانی و زمین‌گیر شدن تازه واردان در آن است. با سقوط ساسانیان، ناحیه گیلان به دلیل شرایط خاص جغرافیایی در برابر اعراب مسلمان ایستادگی کرد. در دوره عباسیان، پادشاهان دیلم با استقلال حکم می‌راندند و سپاهیان اعراب در قزوین زمین‌گیر شده بودند (ابن‌فقیه همدانی، ۱۳۴۹: ۱۲۰). در این دوره، شرایط جغرافیایی دیلمان، موقعیت مناسبی برای اختفا و فعالیت مخالفان بنی‌عباس، از جمله علویان محسوب می‌شد. با هجوم مغول به ایران، بار دیگر جغرافیای خاص دیلمان، شرایط را برای ایستادگی در برابر مغولان و سپس تیمورلنگ مهیا ساخت. حتی هولاکو که توانسته بود قلاع اسماعلیه را فتح کند و اولجایتو با وجود دادن تلفات بسیار، راهی برای فتح گیلان نیافتند. جغرافیای خاص گیلان حتی تیمور را نیز از حمله به این نواحی بازداشت و او تنها به دریافت خراج از حکام گیلان رضایت داد (امیرانتخابی، ۱۳۸۷: ۳۵).

موقعیت جغرافیایی این منطقه در دوره صفویه نیز کارآمد بود و در سال‌های پیش از تأسیس سلسله صفوی نیز به کمک شاه اسماعیل اول آمد و او مدت پنج سال در ناحیه لاهیجان در خفا زیست (سیوری، ۱۳۸۷: ۲۱). گیلان به دلیل داشتن ذخایر و منابع بسیار و درآمدهای ناشی از ثروت‌های طبیعی و همچنین رفت‌وآمد تجار اروپایی از طریق بنادر تجاری نه‌تنها از لحاظ سیاسی، بلکه از نظر اقتصادی نیز اهمیت داشت.

این ناحیه در سراسر دوره قاجار آبستن شورش‌هایی بود. همچنین در نهضت مشروطه نقش اثرگذاری داشت و در واپسین سال‌های حاکمیت قاجار، محل ظهور مبارزانی چون میرزا کوچک‌خان جنگلی بود. جنگلی‌ها که به شیوه جنگ پارتیزانی با دولت مستقر در تهران از سویی و با قوای انگلیسی از سوی دیگر، مبارزه می‌کردند، موفق به سامان‌دهی اداری و سیاسی نیز شدند. حرکت میرزا را می‌توان نمونه یک قیام پارتیزانی موفق قلمداد کرد که هرچند برای مدت کوتاه، اما توانست قدرت سیاسی را به دست گیرد.

حدوداً پنج دهه پس از نهضت میرزا کوچک‌خان و یارانش که در جنگ‌های گیلان بروز و ظهور یافت، عملیات چریکی دیگری نیز توسط یک سازمان سیاسی - نظامی موسوم به «سازمان

چریک‌های فدایی خلق ایران» در سیاهکل رقم خورد که نقطه عطفی در تاریخ جنگ‌های پارتیزانی ایران معاصر محسوب می‌شود.

۵. عملیات روستای سیاهکل

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، در اواخر فروردین ۱۳۵۰ از ادغام دو گروه تشکیل شد؛ گروه اول که سابقه فعالیت آن به سال‌های میانی دهه ۴۰ می‌رسید و بعدها با عنوان «گروه جنگل» یا «گروه سیاهکل» شناخته شدند، طرفدار نبرد چریکی در روستا بودند. سابقه فعالیت اعضای گروه دوم موسوم به «گروه احمدزاده» به سال‌های ۴۶ و ۴۷ بازمی‌گشت؛ یکی از مؤسسان اصلی آن، مسعود احمدزاده بود که تحت تأثیر آرای چگوآرا، رژی دبره و کارلوس ماریگلا در سال ۱۳۴۶ یک گروه کوچک مخفی را با کمک امیر پرویز پویان، عضو ودیگر بنیان‌گذار گروه دوم تشکیل داد (اشرف، ۱۳۵۷: ۶). گروه دوم طرفدار جنگ چریکی در شهر بودند.

گروه جنگل یا همان طرفدار جنگ در روستاها، در سال ۱۳۴۵ به شکل زیرزمینی فعالیت خود را آغاز کرد و مؤسسان ابتدایی آن بیژن جزنی، عباس سورکی، علی‌اکبر صفایی فراهانی، محمد صفاری آشتیانی و حمید اشرف بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۵۹۷). در زمستان سال ۱۳۴۶ به دنبال نفوذ یک عنصر توده‌ای به نام عباس شهریاری که در خدمت ساواک بود، کادر اصلی این گروه شناسایی و دستگیر شدند و تنها دو نفر از آن‌ها یعنی صفایی فراهانی و صفاری آشتیانی موفق شدند از مرز خارج شده و در لبنان در اردوگاه‌های الفتح دوره چریکی بینند. صفایی فراهانی در سال ۱۳۴۸ و صفاری آشتیانی در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشتند و بار دیگر به پی‌ریزی مقدمات نبرد مسلحانه پرداختند (نجاتی، ۱۳۹۰: ۳۸۹ و ۳۹۰).

از نیمه شهریور ۱۳۴۹ که عملیات شناسایی منطقه گیلان توسط دسته پیشگام گروه جنگل آغاز شد، تا بهمن همان سال که عملیات چریکی شتاب‌زده با هدف تسخیر پاسگاه سیاهکل صورت گرفت، چریک‌های فدایی خلق بسیاری از اعضای اصلی خود را از دست دادند. با این حال، عملیات سیاهکل در شامگاه ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با موفقیت نسبی همراه بود، اما بعد از این عملیات، علی‌اکبر صفایی فراهانی، هوشنگ نبیری و جلیل انفرادی دستگیر شدند. دسته دیگر نیز سرنوشتی مشابه یافتند و در نهایت، از افراد گروه ۲۲ نفری جنگل، در مجموع ۱۷ تن دستگیر شدند که از این شمار، ۱۳ نفر در ۲۷ اسفند ۴۹ تیرباران شدند (صدر شیرازی، ۱۳۹۵: ۹۵ و ۹۶).

گرچه بازماندگان چریک‌های فدایی خلق طی سال‌های بعد عملیات دیگری نیز انجام دادند، اما عملیات سیاهکل از اهمیت بالایی برخوردار بود. چریک‌های فدایی خلق از عملیات سیاهکل با تعبیر «رستاخیز سیاهکل» یا «حماسه سیاهکل» یاد می‌کردند. به اعتقاد آنان، عملیات سیاهکل حائز ویژگی‌های خاصی بود:

الف) سیاهکل در شرایط سکون و اوج نومیدی مردم، سکوت را شکست و رژیم را که در اوج قدرت‌نمایی و ثبات ظاهری بود، به مبارزه طلبید.

ب) سیاهکل در منطقه‌ای به وقوع پیوست که فاقد هرگونه برخورد مسلحانه غیرسیاسی بود. در گیلان نه برخوردهای عشایری و نه قاچاق مسلحانه و سرقت مسلحانه دیده نشده بود. حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل از همان ابتدا یک معنی داشت: به مبارزه طلبیدن رژیم از جانب یک جریان انقلابی.

ج) شکل برخورد یعنی حمله به پاسگاه سیاهکل از جانب یک دسته چریک جنگی با تصورات و مفاهیمی که مردم از چریک داشتند، مطابقت می‌کرد. خاطره جنبش میرزا کوچک‌خان قسمتی از تصورات و خاطرات را تشکیل می‌داد.

د) نیروی چریک‌ها و دامنه عملیات آن‌ها در کشور انعکاس وسیعی یافت. وضع فوق‌العاده‌ای که در شمال برقرار شده بود، نیروی عملیاتی چریک‌ها را بسیار بزرگ‌تر از واقع جلوه‌گر می‌ساخت. ه) موفقیت چریک‌ها در گرفتن و خلع سلاح کردن پاسگاه و ادامه برخوردهای نظامی در جنگل، تهران و دیگر شهرها یک پیروزی شناخته شد... ادامه عملیات در شهر به نظر مردم ادامه عملیات جنگل و دلیل بر شکست‌ناپذیری چریک‌ها شناخته شد» (جزنی، ۱۳۸۱: ۲۳).

۶. دلایل انتخاب مکان روستایی سیاهکل گیلان در انطباق با دیدگاه‌های نظریه پردازان

بهره‌گیری از ظرفیت جنبش دهقانی: یکی از سه اصل آموزشی مهم در مبارزه مسلحانه از نظر ارنستو چگوارا، این بود که مبارزه مسلحانه باید در مناطق کشاورزی صورت گیرد. او معتقد بود در مناطق روستایی موقعیتی وجود دارد که ساکنان آنجا از سوی واحدهای مسلح پارتیزانی حمایت می‌شوند (چگوارا، بی‌تا: ۴ - ۶). به عقیده چگوارا: «پارتیزان باید در مناطق روستایی و کم‌جمعیت بجنگد و چون در مناطق روستایی مبارزه ملت به خاطر حقوقش، قبل از هر چیز شامل دگرگونی شرایط موجود در زمینه بهره‌برداری از زمین است، بنابراین پارتیزان پیش از هر چیز به‌عنوان یک مبارز فعال برای رفرم زراعتی به پامی‌خیزد، از خواسته‌های وسیع دهقانانی پشتیبانی می‌کند که آرزو

دارند مالک مطلق وسایل کارشان، زمینشان، چهارپایانشان و همه آنچه که سالیان دراز به خاطر آن‌ها جان کنده‌اند و برای آن‌ها اساس زندگانی است، باشند» (همان: ۷).

مائو نیز بر همین عقیده بود. او مبارزات مسلحانه را در جنوب چین با گروه‌های کارگران آغاز کرد که درهم شکسته و سرانجام به‌طور تقریباً کامل نابود شد. هنگامی موقعیت آنان استوار شد و نخستین پیروزی‌ها به‌دست آمد که پس از مارش طولیل (راهپیمایی طولانی) به‌سوی شمال، مبارزه آنان در مناطق روستایی پاگرفت و درخواست زمین و فرم زراعتی شعار اصلی و اساسی شد. مبارزه‌ای که هوچی‌مین در هندوچین رهبری کرد نیز تکیه به کشاورزان برنج‌کار داشت (همان: ۲۰).

انتخاب گیلان به‌عنوان مبدأ عملیات چریکی توسط چریک‌های فدایی خلق نیز ملهم از آرای صاحب‌نظران جنگ‌های چریکی بود. فداییان خلق منطقه گیلان را به‌دلیل حضور دهقانان برای آغاز مبارزه چریکی مناسب می‌دانستند. دلایل انتخاب گیلان توسط سازمان چریک‌های فدایی خلق را می‌توان این‌گونه برشمرد: «ورود ماشین‌های جنگی سنگین به سرزمین‌های ناهموار کوهستانی مشکل بود؛ جنگل انبوه گیلان پوشش مناسبی در برابر حملات هوایی بود و دلیل مهم‌تر این‌که، دهقانان محلی دارای پیشینه و سنت رادیکالی بودند» (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۶۰۱).

مسعود احمدزاده، یکی از نظریه‌پردازان فداییان خلق، در جزوه «مبارزه مسلحانه؛ هم استراتژی، هم تاکتیک» می‌نویسد: «هنگامی که مبارزه مسلحانه در روستا پا می‌گرفت و روستایی را به خود جلب می‌کرد، آمادگی می‌یافت که در جامعه انقلابی یک نقش نظامی نیز ایفا کند.» احمدزاده روستاهای شمال ایران را مناسب‌ترین مبدأ برای شروع مبارزه مسلحانه می‌دانست. او به چند تفاوت عمده میان مناطق روستایی شمال ایران و روستاهای سایر نقاط کشور قائل بود. به اعتقاد احمدزاده به‌دلیل رابطه بسیار نزدیک شهر و روستا در شمال ایران، جنبش چریکی در شهرهای شمالی انعکاس پیدا می‌کرد و از آنجا به سراسر کشور گسترش می‌یافت. به عقیده وی، رشد آگاهی سیاسی در شمال در مقایسه با سایر نقاط کشور نسبتاً بالا است (احمدزاده، بی‌تا: ۱۹ و ۲۰) و این نیز عاملی است که در انتخاب گیلان به‌عنوان مقر مبارزه چریکی مؤثر است.

بیژن جزنی در رساله «چگونه مبارزه مسلحانه توده‌ای می‌شود»، با تأکید بر نقش دهقانان روستایی در جنبش چریکی، بر لزوم آگاه کردن آنان به‌عنوان بازوان جنگ پارتیزانی اشاره کرده و می‌نویسد: «برای اینکه دهقانان دشمن خود را در بورژوازی و رژیم نماینده آن بشناسند، می‌بایست پروسه‌های

معینی رشد کند. از یک‌سو، باید هجوم سرمایه‌داری‌های خارجی و داخلی به بخش کشاورزی خرده‌مالک مولود اصلاحات ارضی را قطبی کند و از سوی دیگر، باید پرولتاریای روستا تحت تأثیر جنبش‌های سیاسی وسیع شهر و جنبش نظامی دسته‌های پیشرو آگاهی یافته و به مبارزه بر ضد رژیم روی آورد» (جزنی، ۱۳۸۱: ۱۴).

موقعیت جنگل و کوهستان: نواحی جنگلی و کوهستانی، بستری مناسب برای توسعه جنگ چریکی محسوب می‌شوند. مائوتسه تونگ نقاط مناسب برای ایجاد پایگاه در جنگ چریکی را به سه دسته تقسیم می‌کند: (۱) پایگاه‌های کوهستانی؛ (۲) پایگاه‌های جلگه‌ای و (۳) پایگاه‌هایی که در نواحی پوشیده از شبکه متراکم رودخانه‌ها قرار دارند (تونگ، ۱۳۵۸: ۳۷) و این هر سه، در مناطق جنگلی شمال ایران قابل شناسایی هستند.

نواحی جنگلی و کوهستانی حائز ویژگی‌های مثبتی برای طراحی عملیات پارتیزانی هستند. جنگل اغلب برای تردد ادوات نظامی سنگین - چه زمینی و چه هوایی - مناسب نیست؛ به عبارت دیگر، صعب‌العبور بودن، ویژگی مهم جنگل‌های شمال ایران است که آنجا را به مناسب‌ترین منطقه انجام عملیات پارتیزانی تبدیل می‌کند. در چنین محیطی، علاوه بر اینکه ادوات نظامی دشمن از کار می‌افتد، پیاده‌نظام رقیب که آشنایی کافی با محیط ندارد، دچار سردرگمی می‌شود و بهترین فرصت برای قوای پارتیزانی پیش می‌آید تا دشمن را غافل‌گیر کنند. در نواحی جنگلی، واحد پارتیزانی می‌تواند با نیروی اندک، دست‌اندرکار جنگ طولانی‌تری شود و از رسیدن قوای کمکی دشمن به عرصه جنگ جلوگیری کند (چگوارا، بی‌تا: ۲۵).

جان. ام. کالینز*، نظریه‌پرداز جغرافیای نظامی، قابلیت عبور و مرور ادوات جنگی در زمین‌های مختلف را بررسی کرده است. به اعتقاد او، یکی از نامناسب‌ترین خاک‌ها برای حرکت قوای نظامی سنگین، خاک خیس شده است. در نواحی شمالی ایران به دلیل بارش باران، خاک خیس و گل‌آلود است. همین موضوع سبب می‌شود «چسبندگی حاصل در مسیر، سرعت را کاهش داده و هدایت وسیله نقلیه را پیچیده سازد. شیب‌های ملایم آنچنان لغزنده می‌شوند که بالا رفتن از آنها بسیار مشکل می‌شود و پس از نفوذ آب باران در زمین، تانک‌ها و وسایل جنگی زرهی، همچون سورت‌های مسابقات المپیک بر روی شیب‌ها سر می‌خورند» (کالینز، ۱۳۸۳: ۷۵).

*. Collins, John M

علاوه بر این، در نواحی جنگلی، شرایط آب و هوایی و وضعیت خاک، کارایی بسیاری از سلاح‌های جنگی را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ برای مثال، زمین‌های خیس محل مناسبی برای استقرار تسلیحات زرهی سنگین نیستند. حتی پایه‌های توپ‌های سبک نیز تا حد زیادی در زمین‌های خیس فرومی‌روند و این موضوع، هدف‌گیری توپ را با اختلال مواجه می‌سازد (همان: ۷۶). کالینز بر اهمیت پوشش گیاهی در نبردهای نظامی نیز تأکید دارد. طبق بررسی‌های او پوشش گیاهی انبوه، تحرک زمینی را محدود کرده، قابلیت دید از جلو، جناح‌ها و عقب را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. او می‌نویسد: «زمین‌های بدون پوشش گیاهی برای نیروهای تهاجمی و جنگل‌ها برای نیروهای تدافعی مناسب است» (همان: ۷۸ و ۷۹).

در یک جمع‌بندی، ویژگی‌های نواحی جنگلی را که باعث ناکارآمدی ادوات نظامی دشمن شده و محیط مناسبی را برای عملیات چریک‌ها فراهم می‌کنند، می‌توان این‌گونه برشمرد:

- انواع خودروهای نظامی در مناطق جنگلی جز در مسیرهای پررفت‌وآمد، در سایر مسیرها بی‌استفاده هستند و تحرک زمینی همواره کند و پراز مشقت است.
- تنه درختان مسیر پرتابه‌های با خط سیر مستقیم را تغییر می‌دهند.
- انفجارهای هسته‌ای که درختان را واژگون می‌سازد، موانع غیرقابل عبوری را به وجود می‌آورد که هیچ طرف از آن سود نمی‌برد.
- تانک‌ها می‌توانند درختان کوچک را از سر راه خود بردارند، اما زنجیره‌های گیاهی، پیشروی را متوقف یا کند می‌سازند.
- شعاع کشندگی بمب‌های متعارف و گلوله‌های توپ در مناطق جنگلی نسبت به زمین‌های باز بسیار کمتر است.
- نارنجک‌های دستی بدون هدف پرتاب می‌شوند و گاهی نیز بر اثر برخورد با موانع موجود، در فاصله کوتاهی روی زمین غلتیده و پرتاب‌کننده را هم با خطر روبه‌رو می‌کنند.
- تأثیر بمب‌های ناپالم در علفزارهای مرطوب به سرعت از بین می‌رود. گلوله‌های منور روشنایی بسیار کمی تولید می‌کنند و شاخ‌وبرگ‌های مترکم ارتباطات رادیویی را مختل می‌سازند (همان: ۷۵).
- تحرک نیروهای سواره‌نظام از سربازان پیاده کمتر است.
- قدرت دید و میدانی آتش‌سازهای دارای خط آتش کشیده بسیار محدود است.

- برتری به لحاظ فناوری و تعداد نیرو، در مقایسه با قابلیت انطباق با شرایط محیطی، اهمیت کمتری دارد. در یک کلام، مدافعان و نیروهای عملیات ویژه از مزایای خاصی برخوردارند (همان: ۲۳۶).

جنگل همچنین دارای سنگ‌های طبیعی است و نیازی نیست تا قوای چریکی توان خود را برای ساخت سنگ‌های متعدد هدر دهند. درختان، دره‌ها، صخره‌ها و... به‌مثابه سنگ‌هایی هستند که طبیعت جنگل در اختیار چریک‌ها قرار می‌دهد. به‌علاوه، وجود درختان، دیدبانی دشمن را دچار مشکل کرده و باعث بروز اختلال در سیستم‌های رادیویی می‌شود. چریک‌ها که از قبل تمام نقاط جنگل را به‌خوبی شناسایی کرده‌اند، با استفاده از سلاح‌های سبک و درعین‌حال مقاوم در برابر رطوبت و شرایط آب‌وهوایی نواحی جنگلی، در راستای تفوق بر دشمن مرتب تغییر موضع می‌دهند.

به‌همین دلیل است که از نظر چگوارا، جنگل‌ها و نواحی کوهستانی از بهترین نقاط برای راه‌اندازی جنگ چریکی هستند. درمقابل، وی مناطق روباز بی‌جنگل و مناطقی را که شبکه ارتباطی متراکمی دارند، نقاطی می‌داند که برای عملیات پارتیزانی نامساعد هستند (چگوارا، بی‌تا: ۲۹).

چریک‌های فدایی خلق نیز به‌خوبی از ویژگی‌های جنگل‌های شمال آگاه بودند و درواقع، هوشیارانه این مکان را به‌عنوان مقر عملیات پارتیزانی برگزیدند. بیژن جزنی در اعترافاتش به ساواک گفته بود که منطقه‌شناسی گیلان و مازندران، از سال ۱۳۴۲ مورد توجه گروه بود و «طی این مدت اکیپ‌هایی برای شناسایی این مناطق و جنگل‌های ساحلی رفته بودند. این شناسایی‌ها توسط افراد زیردست [حشمت‌الله] شهرزاد (یعنی کلانتری مشعوف و صفایی و همکارانشان) که بعدها زیردست خود من قرار گرفتند، انجام شده بود، ولی منطقه‌شناسی در این نواحی تمام نشده بود و بسیار ناقص بود. برای عملیات چریکی در آن زمان هنوز هیچ منطقه محدود و مشخصی تعیین نشده بود، ولی به‌طورکلی روی نواحی مازندران و گیلان تصوراتی وجود داشت» (زیر تیغ بازجویی؛ بازجویی‌های ساواک از اعضای چریک‌های فدایی خلق، ۱۳۹۶: ۱۵۸).

به عقیده مسعود احمدزاده، «شمال در زمره مناطقی است که دشمن از نظر نظامی کمتر از هرجا استقرار یافته است. به‌واسطه شرایط جغرافیایی‌اش یک رشته از قابلیت‌های نظامی دشمن و سلاح‌هایش غیرقابل استفاده می‌گردند» (احمدزاده، بی‌تا: ۱۹). بیژن جزنی نیز با اشاره به ویژگی جنگل و نقش آن در جنبش‌های چریکی می‌نویسد: «در سال ۱۳۴۹ منطقه جنگلی شمال براساس

دو عامل موقعیت استراتژیک و آمادگی نسبی مردم محلی از حیث آگاهی نسبی آنها برای ایجاد هسته چریکی انتخاب شد» (جزئی، ۱۳۸۱: ۴۳). موقعیت استراتژیکی جنگل و کوهستان‌های شمال، استتار و جنگ و گریز چریک را امکان‌پذیر می‌ساخت (گروه جزئی - ظریفی پیش‌تاز جنبش مسلحانه در ایران، ۱۳۵۵: ۳۷).

تدارک نیروی پارتیزان: خصلت‌های منطقه‌ای که برای عملیات جنگی انتخاب می‌شود، تعیین‌کننده ترکیب اجتماعی واحد پارتیزانی است؛ بدین معنی که هسته رزمنده گروه پارتیزانی از دهقانان ترکیب می‌یابد که به اعتقاد چگوآرا، «سربازانی برجسته و عالی» هستند (چگوآرا، بی‌تا: ۴۷). «ارگانیزم یک دهقان در مقایسه با شهری‌ها به مراتب مقاوم‌تر است؛ کسی که به فعالیت بدنی عادت دارد و زندگی سالمی داشته (مثل دهقان) برای زندگی پارتیزانی البته مساعدتر از یک نفر شهرنشین است که اغلب پشت میز نشسته است» (همان: ۴۶).

چریک‌های فدایی خلق نیز به این مؤلفه مهم توجه داشتند. آنها در پی بهره‌گیری از توان بدنی دهقانان بودند که به دلیل فعالیت بدنی در مزارع ورزیده و نیرومند بودند. فداییان برای مرحله دوم تاکتیک جنگ چریکی که چریک باید از مردم محلی نیرو بگیرد، بر توان رزمی دهقانان خطه گیلان حساب ویژه‌ای باز کرده بودند (گروه جزئی - ظریفی پیش‌تاز جنبش مسلحانه در ایران، ۱۳۵۵: ۳۷ و ۳۸).

امکان تهیه آذوقه: ناحیه گیلان به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، به لحاظ آذوقه بسیار غنی است. در جنگل‌های گیلان انواع میوه‌های وحشی، گیاهان خوراکی، حیوانات و... وجود دارند که این امکان را به چریک‌ها می‌دهند تا در مواقع ضروری از آنها ارتزاق کنند. وجود مزارع مختلف در نواحی شمال ایران و کشت محصولات غذایی در کشتزارها، عامل دیگری برای انتخاب این ناحیه از سوی چریک‌هاست. «یک منطقه کشاورزی را در نظر بگیرید که در آن منطقه، کلیه مواد اصلی خوراکی تهیه و تولید نشود. همین‌که دشمن این منطقه را محاصره کند، پارتیزان‌ها و اهالی طرفدار آنها نخواهند توانست برای مدتی طولانی مقاومت کنند» (چگوآرا، بی‌تا: ۸۸).

ناحیه توریستی گیلان به مثابه رسانه: تورق در استراتژی چریک‌های فدایی خلق نشان می‌دهد که توریستی بودن گیلان یکی دیگر از عوامل مؤثر در انتخاب این نقطه برای خیزش چریکی توسط آنان بوده است. گیلان همه‌ساله مسافران بسیاری را از سراسر ایران پذیرا بود؛ از این رو، «با توجه به اینکه سواحل خزر منطقه توریستی داخلی است، رژیم نمی‌تواند نیروکشی خود و کنترل

محاصره منطقه را از انظار پنهان سازد» (گروه جزنی - ظریفی پیشتاز جنبش مسلحانه در ایران، ۱۳۵۵: ۳۸). به عقیده مسعود احمدزاده، مناطق شمالی ایران همچون کردستان و آذربایجان نیست که وجود ناامنی در آن طبیعی به نظر برسد. در این ناحیه کوچک‌ترین کنترل دشمن بلافاصله محسوس می‌شود و انعکاس پیدا می‌کند. «کنترل ورود و خروج منطقه شمال به‌خصوص در بهار و تابستان برایشان بسیار گران تمام می‌شود، به‌خصوص اگر در نظر بگیریم که شمال به‌عنوان یک مرکز تفریحی به‌خصوص در تابستان چه جمعیتی را از مرکز و سایر نقاط کشور به خود می‌کشاند» (احمدزاده، بی‌تا: ۱۹).

حافظه تاریخی مردم گیلان: چریک‌های فدایی خلق به‌دنبال احیای حافظه تاریخی مردم گیلان بودند. تقریباً پنج دهه پیش از واقعه سیاهکل، مردم گیلان شاهد عملیات پارتیزانی یونس استادسرای و هم‌قطارانش بودند. مردم گیلان خاطرات خوشی از تفوق میرزا کوچک‌خان بر رشت داشتند. به عقیده آنان، میرزا توانسته بود دست ایادی بیگانه را از خطه گیلان کوتاه کرده و اولین جمهوری را در ایران تأسیس کند (فیوضات و حسینی‌نثار، ۱۳۸۳: ۴۳)؛ از این رو، «خاطره جنبش میرزا کوچک‌خان قسمتی از تصورات و خاطرات [مردم گیلان] را تشکیل می‌داد.» (جزنی، ۱۳۸۱: ۲۳).

اگر این روحیه بیدار می‌شد، می‌توانست توان رزمی فداییان را چندین برابر کند. چریک‌های فدایی خلق به‌خوبی می‌دانستند که سطح فرهنگ و آگاهی اجتماعی در این منطقه، به‌خصوص در نواحی گیلان، از دیگر نواحی روستایی ایران به‌مراتب بالاتر است و خاطرات جنبش مسلحانه جنگل هنوز از ذهن روستاییان و مردم شهری و قصبه‌نشین محو نشده است (گروه جزنی - ظریفی پیشتاز جنبش مسلحانه در ایران، ۱۳۵۵: ۳۸). چریک‌های فدایی خلق خود را ادامه‌دهنده راه میرزا می‌خواندند و امیدوار بودند مردم رشت همان‌طور که به «نهضت جنگل» اقبال نشان دادند، از چریک‌های فدایی خلق به‌عنوان میراث‌دار آنان نیز حمایت کنند.

نتیجه‌گیری

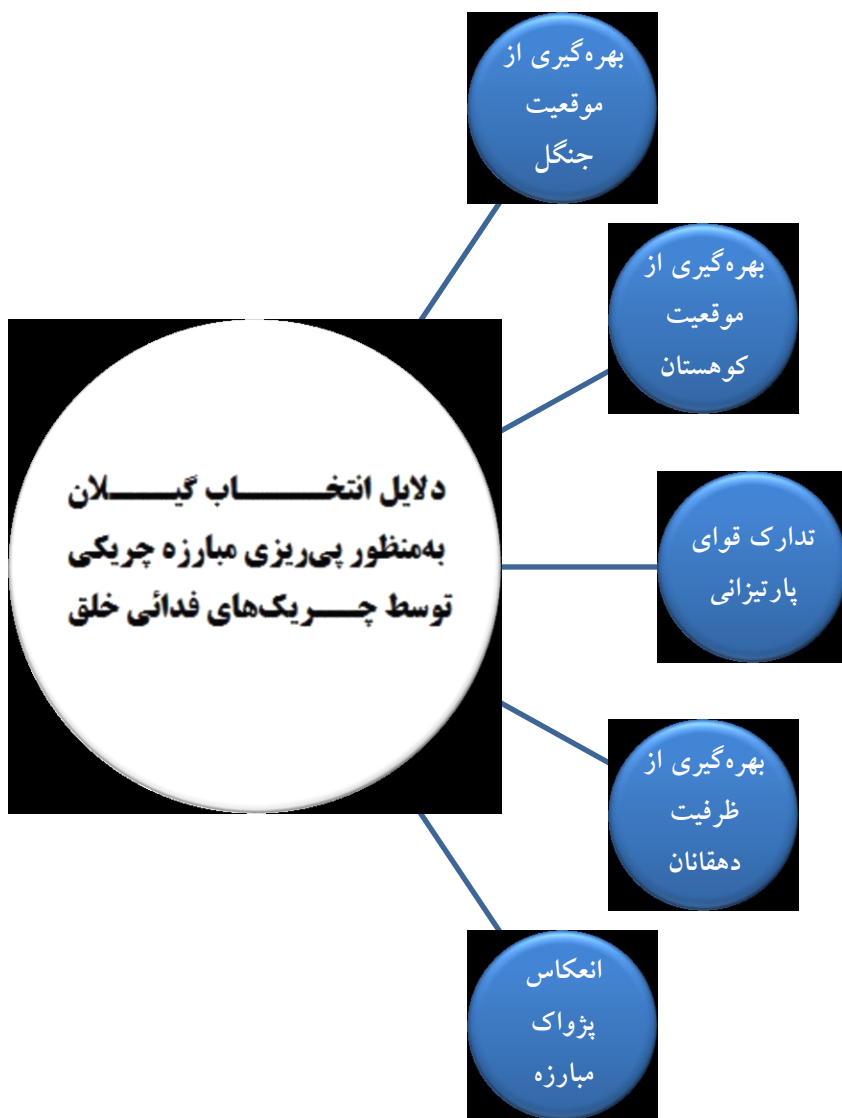
سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، در اواخر فروردین ۱۳۵۰ از ادغام دو گروه تشکیل شد؛ گروه نخست که سابقه فعالیت آن به سال‌های میانی دهه ۴۰ می‌رسید و بعدها با عنوان «گروه جنگل» یا «گروه سیاهکل» شناخته شدند، طرفدار نبرد چریکی در روستا بودند. اینان به گروه «جزنی - ضیا ظریفی» شهرت یافته و «تیم روستایی» خوانده می‌شدند. سابقه فعالیت اعضای گروه

دوم موسوم به «گروه احمدزاده» به سال‌های ۴۶ و ۴۷ بازمی‌گشت. یکی از مؤسسان اصلی آن، مسعود احمدزاده بود که تحت تأثیر آرای چگوارا، رژی دبره و کارلوس ماریگلا در سال ۱۳۴۶ یک گروه کوچک مخفی را با کمک امیرپرویز پویان، عضو دیگر بنیان‌گذار گروه دوم تشکیل داد. گروه دوم، طرفدار جنگ چریکی در شهر بودند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران که در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ اولین جنبش پارتیزانی ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را رقم زدند، در انتخاب ناحیه گیلان به‌عنوان مبدأ مبارزه چریکی، عمدتاً به شرایط جغرافیایی و استراتژیکی آن سرزمین، بافت اجتماعی، روستایی - دهقانی و نزدیکی به مرزهای حکومت کمونیستی شوروی توجه داشتند.

ناحیه گیلان به دلیل شرایط خاص جغرافیایی، شرایط آب‌وهوایی ویژه، پوشش گیاهی انبوه و موقعیت جنگلی و کوهستانی که عبور و مرور را برای ادوات نظامی دولت مرکزی دشوار و حتی غیرممکن می‌ساخت، مورد اقبال چریک‌های فدایی خلق بود. نواحی روستایی گیلان به‌عنوان محل اسکان دهقانان، مورد توجه چریک‌ها بود. همچنین شرایط اجتماعی گیلان از جمله حافظه تاریخی مردم این خطه که هنوز رشادت‌های میرزا کوچک‌خان جنگلی را فراموش نکرده بودند و موقعیت توریستی این سرزمین، از عوامل مؤثر دیگر در بروز عملیات پارتیزانی توسط چریک‌های فدایی خلق در این منطقه بود.

عملیات سیاهکل با تمام ویژگی‌ها و ابعادی که برشمرده شد، اگرچه به شکست انجامید و پس از آن، سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به جنگ‌های چریکی در شهرها روی آورد، با این‌همه، این عملیات از اهمیت بالایی برخوردار بود. بازماندگان چریک‌های فدایی خلق که طی سال‌های بعد عملیات دیگری نیز انجام دادند، همواره از عملیات سیاهکل با تعبیر «رستاخیز سیاهکل» یا «حماسه سیاهکل» یاد می‌کردند. به اعتقاد آنان، عملیات سیاهکل حائز ویژگی‌های خاصی بود و توانسته بود در شرایط سکون و اوج نومییدی مردم، سکوت را بشکند و رژیم را که در اوج قدرت‌نمایی و ثبات ظاهری بود، به مبارزه بطلبد.



منابع
کتاب‌ها

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، چ ۱۱، تهران: نی.

- ابن اثیر، علی بن محمد (بی تا)، *الکامل فی التاریخ*، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.
- ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق (۱۳۴۹)، *مختصرالبلدان*، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- احمدزاده، مسعود (بی تا)، *مبارزه مسلحانه؛ هم استراتژی هم تاکتیک*، بی جا: بی نا.
- احمدی حاجیکلائی، حمید (۱۳۸۷)، *جریان شناسی چپ در ایران*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اشرف، حمید (بی تا)، *تحلیل یک سال مبارزه چریکی در شهر و کوه*، بی جا: سازمان های جبهه ملی ایران خارج از کشور (بخش خاورمیانه).
- _____، (۱۳۵۷)، *جمع بندی سه ساله*، تهران: نگاه.
- امیرانتخابی، شهرام (۱۳۸۷)، *جغرافیای تاریخی گیلان*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- بهروز، مازیار (۱۳۸۴)، *شورشیان آرمانخواه*، چ ۸، تهران: ققنوس.
- تونگ، مائوتسه (۱۳۵۸)، *درباره جنگ چریکی (اصول و استراتژی)*، ترجمه حامد نگهبان، تهران: مروارید.
- حسنی، مجتبی (۱۳۸۸)، *مبانی نظری سازمان چریک های فدایی خلق ایران در دوران محمد رضا پهلوی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، قزوین: دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).
- جزنی، بیژن (بی تا)، *تاریخ سی ساله ایران*، ج ۱ و ۲، بی جا: بی نا.
- _____، (۱۳۸۱)، *چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می شود*، بی جا: سازمان اتحاد فداییان خلق ایران.
- چگوآرا، ارنستو (بی تا)، *جنگ پارتیزانی*، بی جا: بی نا.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۴)، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.

- سیوری، راجر (۱۳۸۷)، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، چ ۱۷، تهران: مرکز.
- صدر شیرازی، محمدعلی (۱۳۹۵) *سازمان چریک‌های فدایی خلق*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صفایی فراهانی، علی‌اکبر (۱۳۴۹)، *آنچه یک انقلابی باید بداند*، بی‌جا: بی‌نا.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۳)، *ژئواستراتژی و قرن بیست و یکم*، چ ۸، تهران: سمت.
- فرای، ریچارد (۱۳۴۴)، *میراث باستان ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- قزوینی، ذکریان محمد (۱۳۷۳)، *آثارالبلاد و اخبارالعباد*، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- کالینز، جان (۱۳۷۳)، *استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)*، ترجمه کوروش بایندر، چ ۲، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- _____ (۱۳۸۳)، *جغرافیای نظامی*، ترجمه عبدالمجید حیدری و همکاران، تهران: دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۷۹)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- گروه جزئی - ظریفی پیشناز جنبش مسلحانه در ایران (۱۳۵۵)، چ ۲، بی‌جا: مهدی.
- نادری، محمود (۱۳۸۷)، *چریک‌های فدایی خلق*، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۹۰)، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)*، چ ۹، تهران: رسا.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

- حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۳)، «دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های سازمان چریک‌های فدایی خلق در قبال انقلاب اسلامی»، *پژوهشنامه متین*، دوره هفتم، شماره ۲۶، صص ۴۵ - ۷۰.

- «زیر تیغ بازجویی؛ بازجویی های ساواک از اعضای چریک های فدایی خلق» (تابستان ۱۳۹۶)، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۵۷، صص ۶۷ - ۲۹۹.
- سام دلیری، کاظم و بهروز شهبازی (۱۳۹۱)، «انقلاب؛ چرا و چگونه بازخوانی ایدئولوژی انقلابی احزاب چپ دوره پهلوی»، فصلنامه جامعه شناسی سیاسی، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۱ - ۲۳.
- فیوضات، ابراهیم و مجید حسینی نثار (پاییز ۱۳۸۳)، «بررسی عوامل جنبش پوپولیستی - استقلال طلبانه و چریکی جنگل»، فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۲۷، صص ۴۳ - ۷۳.
- قدسی زاد، پروین؛ یزدانی، سهراب و محمدمیر شیخ نوری (۱۳۸۹)، «ماهیت دولت پهلوی دوم از دیدگاه حزب توده ایران و سازمان چریک های فدایی خلق ایران (۱۳۳۲-۱۳۵۷)، فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، سال بیستم، شماره ۶ (پیاپی ۸۵)، صص ۱۲۹ - ۱۶۱.
- محمودی، فرج الله (۱۳۷۴). «سیمای طبیعی و زمین شناسی گیلان»، به کوشش ابراهیم اصلاح عربانی، مجموعه مقالات گیلان، ج ۱، تهران: گروه پژوهش گران ایران.
- مولوی وردنجانی، عیسی و یعقوب توکلی (بهار ۱۳۹۸)، «تبیین عوامل ناکامی جنگ های چریکی در ایران دوران پهلوی»، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال هفدهم، شماره ۶۴، صص ۴۲ - ۶۲.

منابع لاتین

- Kalyanaraman, S (2003), *Conceptualisations of Guerrilla warfare, Strategic Analysis*, 27:2, pp 172-185.
- Stibbe, Phil (2013). *When did Guerrilla Warfare Become Truly Revolutionary?* E-International Relations, pp 1-11.